

توسط دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

راهبردهای سیاستی قوی شدن جمهوری اسلامی ایران از طریق جهش تولید ابلاغ شد

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی راهبردهای سیاستی قوی شدن جمهوری اسلامی ایران از طریق جهش تولید را در ۱۲ محور ابلاغ کرد.

به گزارش گروه دانشگاه ایسکانیوز، پیرو نامگذاری سال ۱۳۹۹ به نام سال جهش تولید توسط رهبر معظم انقلاب مدظله العالی؛ حجت‌الاسلام سعید رضا عاملی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی راهبردهای سیاستی قوی شدن جمهوری اسلامی ایران از طریق جهش تولید را در ۱۲ محور ابلاغ کرد تا ستاد فرهنگ، ستاد علم و فناوری و شوراهای تخصصی و کمیسیون های شورای عالی انقلاب فرهنگی بر آن متمرکز شده و سیاست های راهبردی و محوری را جهت طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد نقشه جامع علمی کشور و ستاد هماهنگی مهندسی فرهنگی تدوین و پیشنهاد کنند. مشروح این راهبردهای سیاستی که با هدف تغییرات مهم و اثرگذار در مسیر جهش تولید و تأثیرگذاری کلیدی بر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی در پرتو تحول در فرهنگ، علم و فناوری و اقتصاد دانش بنیان ابلاغ شده است، به شرح ذیل است:

راهبردهای سیاستی قوی شدن جمهوری اسلامی ایران از طریق جهش تولید

جهش اقتصادی در پرتو تحول در فرهنگ، علم و فناوری و اقتصاد دانش بنیان

سال ۱۳۹۹ را در حالی آغاز می کنیم که چشم ها به نقطه شکوفاتر شدن اقتصادی ایران و رسیدن به ظرفیت های مؤثرتری از تمدن نوین اسلامی دوخته شده است. با نگاه به شعار امسال که جهش تولید است، دوازده سال متوالی است که رهبری حکیم انقلاب، دولت و ملت و همچنین اندیشمندان جامعه را به اهداف اقتصادی راهبردی و تقویت قدرت اقتصادی و عزت ملی و جهانی جمهوری اسلامی ایران توجه می دهند. با همین نگاه سال ۱۳۸۷ را سال نوآوری و شکوفایی، سال ۱۳۸۸ را سال حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف، سال ۱۳۸۹ را به عنوان سال همت مضاعف و کار مضاعف، سال ۱۳۹۰ را به عنوان سال جهاد اقتصادی و سال ۱۳۹۱ را به عنوان سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی برجسته نمودند. همچنین در مسیر توجه به قدرت و توان اقتصادی و سیاسی کشور، سال ۱۳۹۲ را سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، سال ۱۳۹۳ را سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی، سال ۱۳۹۵ را سال اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل، سال ۱۳۹۶ را با برجسته کردن تولید و اشتغال به عنوان سال اقتصاد مقاومتی تولید و اشتغال، سال ۱۳۹۷ را سال حمایت از کالای ایرانی، سال ۱۳۹۸ را سال رونق تولید و در نهایت، مجدداً روی عرصه تولید ملی تأکید نمودند و سال ۱۳۹۹ را سال جهش تولید نامگذاری کردند.

نتایج این نگاه دوراندیشانه، الهی و معطوف به منافع ملی و تلاش دولت ها و بخش خصوصی و مشارکت دانشگاهیان در تقویت صنایع کشاورزی، غذایی و انرژی را در تقویت زیرساخت های تولید ملی به وضوح می بینیم. در شرایط امروز که ویروس کرونا به عنوان یک ویروس فراگیر بیش از ۱۷۰ کشور جهان را تحت الشعاع خود قرار داده است و کشورهای پیشرفته جهان در اولیات زندگی که مرتبط با مواد غذایی مثل انواع پروتئین ها، لبنیات، سبزیجات و انواع میوه ها و تولیدات کشاورزی و تولیدات مرتبط با بهداشت و سلامت دچار بحران شده اند، جمهوری اسلامی ایران از وضعیت بسیار خوب و وفور نعمت های مرتبط با احتیاجات مهم زندگی برخوردار است.

در ادامه مسیر باید به این مهم توجه داشته باشیم که لازمه قدرت و قوی شدن ایران، رشد متناسب و توجه به همه مؤلفه‌های جهش اقتصادی است. در واقع، قدرت ایران یک پیکره به هم پیوسته است که نمی‌توان به صورت تک‌نگارانه و تک‌علتی به آن نگاه کرد. همان‌طور که رهبر حکیم انقلاب از مؤلفه‌های این پیکره با تکیه بر ارزش‌های فردی و اجتماعی اسلام و عمل به احکام اسلامی بر این مبنا تأکید کردند که:

قوی شدن کشور جزو هدف‌های ماست. این هم از خطوط اصلی نسخه بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ هرچه می‌توانید قوت را زیاد کنید. حالا این قوت در وهله اول، در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی - که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوت تبلیغی. یکی از نکات محوری در سخن نوروزی رهبر حکیم انقلاب اسلامی، توجه دادن به جهش تولید به عنوان یکی از اجزا و عناصر مهم قدرت و قوی شدن ایران اسلامی است که همین بُعد مهم را عنوان شعار سال ۱۳۹۹ قرار داده‌اند که مناسب است ستاد فرهنگ، ستاد علم و فناوری و شوراهای تخصصی و کمیسیون‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی بر آن متمرکز شوند و سیاست‌های راهبردی و محوری را جهت طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد نقشه جامع علمی کشور، ستاد هماهنگی مهندسی فرهنگی تدوین و پیشنهاد کنند. دوازده محور مهم به شرح ذیل مورد توجه قرار گرفته است که به نظر می‌رسد توجه به آنها موجب تغییرات مهم و اثرگذار هم در مسیر جهش تولید و هم تأثیرگذاری کلیدی بر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی دارد:

جهش اقتصادی در چارچوب نظام معرفتی و ارزشی اسلام: باید در نظر داشت که زیرساخت نظام معرفتی و فکری هر کشور است که زیرساخت ارزشی آن را شکل داده و مسیر حرکت را جهت‌دهی می‌کند. بر این اساس در جمهوری اسلامی ایران، مبانی معرفتی و اصول اعتقادی اسلام، چشم‌انداز و مسیر حرکت جهش اقتصاد را تعریف کرده و راه را ترسیم می‌کند و نمی‌توان بدون چنین زیرساخت معرفتی در سطوح دیگر به توفیقی دست یافت. در چنین چارچوبی، توجه به ارزش‌های الهی موجب افزایش توان انسانی و برکت تولید می‌شود: اثر ایمان و تقوا (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ)، شکرگذاری (لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) و یا توبه و استغفار (وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ) به عنوان ارزش‌های دینی و اعتقادی در پشتیبانی از توفیق و جهش در تولید و اقتصاد، همان مبانی موجودی است که امروزه غفلت از آنها به مشکلات معیشتی و اقتصادی منجر شده است. بنابراین، انطباق رفتارها و انتظارات مردم با آموزه‌های دینی یکی از راهبردهای اصلی جهش تولید اقتصادی است.

تناسب نهادها و ظرفیت‌ها با ارزش‌های انقلاب اسلامی: در چارچوب جهان بینی الهی، نهادها و برنامه‌های اقتصادی نیز باید مبتنی بر مبانی ارزشی و جهان بینی اسلامی حرکت کند و این سه محور عمومی مورد توجه قرار گیرد در ساختارها و سازه‌های تولید تدبیر شود: الف) عدم تضاد ظرفیت‌های نهادی و برنامه‌های اجرایی با مبانی و ارزش‌های اسلامی؛ ب) پرهیز از هر نوع وابستگی در تولیدات راهبردی که در صورت تحریم یا موانع همچون قطع ارتباط عملی به دلیل بلایای طبیعی یا ساختگی مثل کرونا که ابعاد نگران‌کننده چند وجهی دارد، منجر به خطرزایی در نیازهای اساسی جامعه مثل غذا، آب، تولیدات مرتبط با سلامت و درمان شود؛ ج) توجه به این اصل مهم که قوی شدن ایران محصول یک پیکره و نظام واره به هم پیوسته است و ایران قدرتمند محصول نظام سیاسی قدرتمند، علم و فناوری نوآورانه، اقتصاد قوی و فرهنگ قدرتمند است.

تقویت فرهنگ کار متناسب با جهش تولید: فرهنگ سازی معطوف به تولید مبتنی بر تقویت کار جمعی و روحیه تعاون، تقویت مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی ارتباطات سالم بین فردی، بین قومی و بین فرهنگی، تقویت امید به آینده و روحیه نشاط و خودباوری، تقویت عزم ملی، افزایش درک اجتماعی نسبت به ضرورت جهش اقتصادی، ایثار، انضباط اجتماعی، سازگاری اجتماعی، پرهیز

از اسراف، اصلاح الگوی مصرف، تقویت روحیه قناعت، رعایت حقوقی فردی و اجتماعی دیگران، پرهیز از دروغ، تدلیس، تجسس در امور دیگران، انجام کامل کارها و مسئولیت‌ها، تعهد نسبت به زمانبندی‌ها و از همه مهم‌تر، تقویت روحیه کار برای رضای خداوند متعال که منجر به کاهش توقعات اجتماعی و عمل بدون حاشیه و تخریب می‌شود.

تغییر الگوواره‌ها و نظام‌های حکمرانی منابع تولید در بستر دوفضایی شدن جهان و توجه به جهان مجازی به موازات جهان فیزیکی: در واقع ما نیازمند اصلاح نگرش به واقعیت جهان در بستر دوفضایی‌گرایی و تغییر نهادها و ساختارهای تولید مبتنی بر دوفضایی‌بودگی و اصلاح روندها و فرآیندهای تولید بر مبنای دوفضایی شدن هستیم (عاملی، ۱۳۸۲ الف، ب، ج؛ عاملی، ۱۳۹۰ الف، ب؛ عاملی، ۱۳۹۶ الف، ب؛ عاملی، ۱۳۹۷) که این سه حکایت از الگوواره جدید نظام حکمرانی تولید دارد. این تغییر تنها شامل حال تولید و نظام تولید نمی‌شود، بلکه شامل کل نظام حکمرانی در حوزه دولت، مجلس و نظام قضایی و زیرشاخه‌های مرتبط با آموزش، پژوهش، سلامت، تشخیص، درمان و همچنین صنعت، خدمات و کشاورزی نیز هست. در واقع شکل‌گیری صنعت، کشاورزی و خدمات ۴۰٪ منعکس‌کننده ابعاد ترکیبی فضای فیزیکی و سایبری و حاکمیت هوش مصنوعی بر مدیریت بینابینی فضای فیزیکی و فضای سایبری است. تقویت فضای مجازی در سطح زیرساخت‌های فنی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی و محتوا و خدمات مبتنی بر فضاهای ترکیبی فیزیکی و مجازی و توسعه زیرساخت‌های فناوری به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل جهش اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، فیزیکی - مجازی شدن تولید صنعتی، بر استفاده گسترده از فناوری‌های ماشین به ماشین و اینترنت اشیا برای کمک همزمان به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان استوار است تا به افزایش خودکارسازی فرایندها، بهبود ارتباطات و نظارت، همراه با خودعیب‌یابی و سطوح جدید تجزیه و تحلیل اطلاعات برای فراهم کردن آینده‌ای غنی از تولید، کمک کند. صنعت ۴۰٪ با دامنه گسترده‌ای از مفاهیم مانند توسعه ماشینی شدن و خودکار شدن، دیجیتالی شدن، شبکه‌سازی و کوچک‌سازی روبروست. فناوری‌های اصلی و محوری صنعت ۴۰٪ نیز که پیشران‌های اصلی انقلاب صنعتی چهارم هستند، شامل هوش مصنوعی و بزرگ‌داده و تجزیه و تحلیل داده، یکپارچگی عمودی و افقی، سامانه‌های سایبری-فیزیکی، رباتیک، شبیه‌سازی، سامانه‌های تعبیه شده، اینترنت همه‌پدیده‌ها، دستگاه‌ها و ماشین‌های خودران، امنیت سایبری، فناوری‌های مجازی‌سازی، چاپ سه‌بعدی، فناوری‌های ابری، فناوری‌های موبایل، ساخت افزایشی، اینترنت صنعتی و نانوفناوری، صنعت واقعیت گسترده و غیره می‌باشند. بر این اساس، اصلاح نظام حکمرانی به طور عام و نظام حکمرانی تولید با نگاه خاص، عامل مهم و بنیادین برای جهش تولید و قوی شدن ایرانی اسلامی است. البته همواره لازم است برای جبران چالش‌ها در فضای فیزیکی - طبیعی (فضای اول) در فضای واقعی - مجازی و برعکس داشتن امکان جبران در فضای فیزیکی - طبیعی (فضای اول) در صورت بحران در فضای واقعی مجازی (فضای دوم) تدبیر نمود. شرایط کرونایی حاضر، نمونه بارز برای چالش ارتباطی، نه فقط ارتباط انسان با انسان، بلکه ارتباط انسان با طبیعت و اشیا در فضای فیزیکی - طبیعی (فضای اول) به حساب می‌آید که مکانیسم‌های جبران آن در بسیاری از زمینه‌ها در فضای واقعی - مجازی (فضای دوم) قابل جبران است.

اصلاح ساختار، نظام دیوان‌سالاری و نظام تشویق و تقویت نوآوری، با توجه به الگوواره حکمرانی دوفضایی حکمرانی اقتصادی و تولید نوع ۴۰٪: تجربه کشورها با جهش تولید بالا نشان می‌دهد که این سه محور نقش کانونی و اساسی در جهش تولید داشته‌اند که این سه حوزه با توجه به ظرفیت فیزیکی سایبری باید بازسازی شود: الف) اصلاح ساختار و رفع موانع مرتبط با تولید خصوصاً در بخش خصوصی که بتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن مجوز شروع کار را بگیرد و در واردات و صادرات تکلیف روش و شفاف و فرآیند سریع داشته باشد؛ ب) اصلاح نظام دیوان‌سالاری، فرآیندهای پیچیده نظام دیوان‌سالاری منشأ طولانی شدن انجام کارهای ساده و منشأ ظرفیت ایجاد کردن برای فساد اداری است. الکترونیک کردن نظام دیوان‌سالاری، هوشمندسازی و اتوماتیک کردن روند، می‌تواند مسیر حرکت تراکنش‌های اداری را حتی قبل از درخواست و اعلام نیاز به جریان بیاندازد و یک نوع احترام دائمی به حقوق شهروندان را تأمین کند؛ ج) نوآوری و ابتکارهای جدید که می‌تواند تأمین‌کننده نیازهای اساسی جامعه باشد. نوآوری هم موجب خلق ثروت می‌شود و هم سرمایه انسانی و اجتماعی را به فعلیت در می‌آورد. در یک تقسیم‌بندی، اقتصادها را می‌توان به دو دسته ابتکاری یا تقلیدی طبقه‌بندی کرد. علاوه

بر این، مفهوم رژیم فناوریانه به عنوان پیشران اقتصاد کشورها به این موضوع بستگی دارد که منبع پیشرفت فنی، خارجی (مثلاً پایگاه‌های دانش علمی در دسترس عموم) یا منبع از قابلیت‌های انباشته شده فناوریانه در خود سیستم باشد. این نوع دوم سیستم‌های اقتصادی، به عنوان رژیم‌های کارآفرین مورد استفاده قرار می‌گیرند که با استفاده از تنظیم پارامترهای خاص مدیریت می‌شوند.

توجه به تغییر در منطق تولید و بهره‌وری و بهره‌مندی از ارزش افزوده تولید دیجیتال (رقومی) متمایل به بی‌نهایت تولید: سال هاست که تولید دستی جای خود را به تولید مکانیکی و صنعتی داده است. هر دو تولید قبلی، از جنس تولید منوال، شیئی و فیزیکی هستند که منطق تولید آن یک تلاش به منزله یک تولید است. بر مبنای این واقعیت تولید همواره تابع منطق یک تولید، یک توزیع و یک مصرف بوده است. در ادامه کار مکانیکی و تبدیل کار مکانیکی فیزیکی به کار مکانیکی دیجیتال (رقومی)، بر بستر اینترنت، فضای سایبرنیتک و مجازی با منطق جدیدی از کار و تولید مواجه شده است که اساساً منطق کار اقتصادی مبتنی بر نظام تک تولید، تک توزیع و تک مصرف را به کار یک تلاش به منزله متمایل به بی‌نهایت تولید، توزیع و امکان مصرف متمایل به بی‌نهایت تبدیل کرده است (عاملی، ۱۳۸۵؛ عاملی، ۱۳۸۷؛ عاملی، ۱۳۹۲). نمونه این نوع تولید و نظام بهره‌وری و ارزش افزوده را در انواع اپلیکیشن‌های خدمات الکترونیک به وضوح می‌بینیم که نمود آن در خدمات بانکداری، خدمات هوشمند صنعتی، کشاورزی و حتی حوزه مرتبط با آموزش به صورت کاملاً هوشمند، نیمه هوشمند و ترکیبی است. در یک مثال واضح، انتشار کتاب یا روزنامه فیزیکی که موضوع تیراژ و تعداد انتشار است، در حالی که انتشار کتاب یا روزنامه دیجیتال (رقومی) بر بستر جهانی اینترنت یا شبکه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی ارتباطی رقومی، به مجرد در معرض گذاری، نشر و توزیع شده و امکان مصرف متمایل به بی‌نهایت محقق می‌شود. بر این اساس در نظام بودجه ریزی و برنامه‌ای نیازمند تجدیدنظر و اختصاص اعتبارات لازم برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد دانش بنیان با تکیه بر تولیدات قابل مدیریت بر بستر سایبرنیتک (دیجیتال) و شبکه‌ای هستیم. از این طریق تغییر در منطق تولید، منشأ جهش قدرتمند در حوزه تولید خواهد شد.

تکیه بر ظرفیت‌های بومی و منابع و ذخایر ملی طبیعی و انسانی: منابع طبیعی به عنوان بخش مهمی از سرمایه ملی کشورها، از جمله محرک اصیل و مهم رشد اقتصادی کشورهاست که قابلیت تبدیل شدن به سرمایه را دارد و استفاده بهینه از آن می‌تواند تأمین‌کننده استقلال کشور، فراوانی تولیدات موردنیاز زندگی مردم و تقویت‌کننده درآمد ملی و درآمد سرانه باشد.

تقویت زیرساخت دانشی تولید مبتنی بر سرمایه انسانی ماهر و خلاق و بهره‌گیری از منابع انسانی و اجتماعی حوزه علم و فناوری کشور: امروز سرمایه‌گذاری دانشی خصوصاً در حوزه نوآوران و دانش‌های مرتبط با فضای سایبر و هوش مصنوعی که امکان افزایش تولید را با فراوانی بالا فراهم کند، یک امر مهم و راهبردی است. سرمایه‌گذاری در حوزه‌های آموزش و مهارت نیروی انسانی، تحقیق و توسعه و تقویت و حمایت از نیروی انسانی خلاق و نوآور در جهش اقتصادی با رویکرد مذکور از اهمیت زیادی برخوردار است. در مراحل نخست جهش اقتصادی، آموزش و مهارت و پژوهش و توسعه اولویت دارد و در مرحله بعد، خلاقیت و نوآوری و شجاعت علمی شرط تداوم جهش اقتصادی محسوب می‌شود. همان‌طور که مقام معظم رهبری می‌فرمایند که ما دانشمند و متخصص و شرکت‌های دانش‌بنیان و افراد مبتکر در کشور زیاد داریم؛ و این جزو مهم‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی است در هر کشور؛ یعنی مهم‌ترین زیرساخت اقتصادی برای یک کشور، وجود نیروهای انسانی است.

استفاده از ظرفیت مالی و انسانی ایرانیان داخل و خارج از کشور (منبع کردن انبوه جمعیت): اقتصادهای نوظهور و دارای بیشترین سرعت رشد که می‌توان آنها را نمونه‌هایی از اقتصادهای در حال جهش تولیدی در نظر گرفت، بیش از هر عنصر دیگری، به جلب مشارکت عمومی وابسته است. درحالی‌که اقتصاد کلاسیک، به مصرف عمومی وابسته بود، اقتصادهای صنعتی نسل چهارم به مشارکت عمومی در تولید وابسته است. این ساخت اقتصادی جدید، با تغییر در الگوهای سنتی کسب و کار و تعریف جدید از مرزبندی‌های سنتی اشتغال، فراغت و مانند آن، نیروی اقتصادی مولد بنگاه‌ها را به سطح جهانی توسعه می‌دهد. برآوردها نشان می‌دهد که جامعه ایرانیان خارج از کشور با

احتساب نسل دومی ها و نسل سومی ها از یک جمعیت حدود ۶ میلیون نفری برخوردار هستند (شعردوست، ۱۳۹۵) و سرمایه آنها حدود ۴۰۰۰ میلیارد دلار (۴ تریلیون دلار) است که بیش از ۲ درصد بودجه و اعتبارات سالیانه جهان را به خود اختصاص می دهد. این سرمایه عظیم انسانی و مالی همراه با ابرسرمایه انسانی و مالی ایرانیان داخل کشور، امکان بزرگی برای جهش تولید محسوب می شود، مشروط به آنکه در روش ها، رویکردها و فرایندهای تغییرات اساسی صورت گیرد، به گونه ای که انگیزه مشارکت فکری و مالی را به صورت انقلابی افزایش دهد و حس عضویت و اعتماد ملی را از هر روز گذشته تاریخ قدرتمندتر کند.

اصلاح رفتارهای اقتصادی و زندگی واقع بینانه (اصلاح فرهنگ زندگی): جهش در اقتصاد نیازمند تحول در بعد رفتار اقتصادی هم در سطح نهادی و هم در سطح مردمی است. مؤسسات اقتصادی از جمله بخش تولید نمی تواند تغییری جهشی و تحولی را تجربه کند، مگر اینکه رفتارهای اقتصادی و تجاری به میزان متناسب تغییر یابد و از آنجایی که این امر نمی تواند اتفاق بیفتد مگر اینکه یک تحول عمیق نهادی رخ دهد، جهش به شکل جدید ساخت عمومی باید از طریق تغییر همزمان طراحی کلان نهادی انجام شود و در نتیجه تغییر حاصل از آن در جهت گیری مجدد تفکر، نگرش، ارزش های اخلاقی و انتظارات اقتصادی رخ دهد. در شرایط بحران و هنگامی که تغییرات سریع اقتصادی، خارج از کنترل انجام می شود، باید واقع بینانه زندگی کنیم تا شاداب باشیم. وقتی فاصله بین واقعیت از زندگی و توقع از زندگی زیاد می شود، با رفتار فردی و اجتماعی ناراحت مواجه می شویم. در واقع نگرش ما به زندگی می تواند ضریب متفاوتی از رشد تولید را معنا ببخشد. فرهنگ مصرف گرایی، اسراف و تبذیر و در نهایت راضی نبودن از زندگی در همه حال، هر نوع رشد یا جهش اقتصادی را با شکست مواجه می کند. اصلاح نگاه به زندگی، راضی بودن از داشته ها و البته تلاش کردن برای بهتر و کیفی تر زندگی کردن، اتفاقات مهمی را رقم خواهد زد.

استفاده بهینه از انرژی، صیانت محیط زیست و پرهیز از اسراف (اصلاح الگوی مصرف): وی جی به زبان چینی به معنای چالش و فرصت به معنای دو سوی یک سکه است که نشان می دهد یک چالش می تواند توسط افراد هوشمند به فرصت تبدیل شود. مقایسه جهش های اقتصاد ملی ایالات متحده، ژاپن و چین نشان می دهد که جهش مثبت با مصرف انرژی بالا و جهش منفی با تقاضای انرژی کم همراه بوده است. در اقتصاد چین، در سال ۲۰۰۰ و در دوره جهش مثبت شاهد مصرف بالای انرژی بودیم. با این حال، اگرچه رشد اقتصادی در دهه گذشته برای چین بالا بوده است، اما بهره‌وری استفاده از انرژی در این کشور، رو به زوال بوده است. این یک چالش مهم در توسعه اقتصادی چین است. تقاضای بالای انرژی از منابع الکتریسیته، زغال سنگ، نفت و گاز و به ویژه سهم بالای استفاده از زغال سنگ در کل مصرف انرژی به تولید مواد شیمیایی و منجر به انتشار آلودگی آبها در این کشور شده که به سلامت و زندگی مردم آسیب جدی رسانده است. در این صورت، پرسش اساسی برای چین این است که آیا تقاضای انرژی باید رشد سریع خود را برای تحقق رشد اقتصادی در آینده حفظ کند؟ پاسخی که چین به این مسئله داده است، حاوی نکته آموزنده‌ای است. اگرچه جهش تولید الزاما منجر به مصرف بالای انرژی می شود، اما مادامی که به بعد بهره‌وری در مصرف انرژی (مصرف بهینه) توجه نشود، تأثیرات مخرب مصرف بالای انرژی در جامعه و در میان مدت و بلندمدت، بیش از تأثیرات مثبت جهش تولید خواهد بود، لذا همزمان با جهش تولید باید الگوی مصرف بهینه را دنبال کرد. حسب آمار رسمی در سال ۱۳۹۸، ایران بیش از ۲.۵ برابر میانگین مصرف جهانی انرژی مصرف می کند. شاخص شدت مصرف انرژی ایران ۰.۶۳ درصد است و بعد از ایران، روسیه و عربستان سعودی به ترتیب با شاخص شدت انرژی ۰.۵۳ و ۰.۵۱ درصد بالاترین مقدار شاخص شدت انرژی را به خود اختصاص داده‌اند. در واقع یکی از چالش های جهش تولید، تخریب محیط زیست است که منجر به تخریب همه موجودات و پیامدهای بزرگ محیط زیستی، انسانی و اجتماعی می شود.

جهش به عنوان روند مستمر: موضوع مهم در الگوهای جهش اقتصادی در حوزه تولید اقتصادی و به تبع آن، رشد اقتصادی، موضوع استمرار آن و این مخاطره است که به زودی تحول منجر به جهش اقتصادی به پایان خواهد رسید، مگر آن که برای ایجاد جهش مداوم، گوناگونی جدیدی ایجاد شده باشد که زمینه‌های متنوعی برای انتخاب و همچنین رانش ارائه نماید. این امر به ویژه برای الگوهای رشد

اقتصادی بسیار مهم است که در آن ماهیت پایای روند تغییر فناورانه مهم‌تر از سایر جنبه‌هاست. بنابراین لازم است توجه زیادی به نحوه تحقق نوآوری توسط بنگاه‌ها، به صورت فردی و جمعی انجام شود. سیستم‌ها و از جمله سیستم‌های اقتصادی همواره تمایل به پایایی دارند. یک سیستم، بدون اصل پایایی قادر به بازتولید خود نیست و این پارادوکس جهش است. در واقع، مهمترین پرسش در طراحی الگوهای جهش تولید و رشد اقتصادی این است که چطور می‌توانیم در عین حفظ ثبات، پویایی ضروری به عنوان اصل اساسی جهش را ایجاد کنیم؟

امید است با لطف و هدایت الهی و بهره گرفتن از راهبردهای حکیمانه رهبر فرهیخته و الهی جمهوری اسلامی ایران و همدلی و همکاری قوای سه گانه، مردم شریف ایران و همه اندیشمندان و جامعه علمی و با الهام از خون شهدای با عظمت دوره انقلاب و جنگ تحمیلی و مدافعان حرم بتوانیم مسیر علمی و تخصصی را برای رشد و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران طی کنیم. بدیهی است این اقدامات با هدف استقرار جامعه اسلامی، تقویت کیفیت زندگی مردم و دست یافتن به تمدن نوین اسلامی صورت می‌گیرد و سزاوار است که گام‌های مهم و موثری در سال ۱۳۹۹ برداشته شود. در آستانه ورود به قرن ۱۵ با پشتوانه تمدن هزاره ای که شواهد بزرگی از فرهنگ، فرهیختگی و توانمندی را در خود نهفته دارد، قرار گرفته ایم که اقتضا می‌کند، از تجربه‌های تلخ و شیرین این سرزمین حکیم پرور بهره گرفته شود و توان همه ملت شریف ایران و با الگوی اسلامی انقلابی پرچم عزت مند جمهوری اسلامی ایران پر فروغ تر از گذشته بر افراشته و بالنده باشد.

انتهای پیام/